**جلسه بیستم(۲۶/۸/۱۳۹۵)**

**دلیل سوم:**

مرحوم حکیم چند روایت را در اثبات مدعای خود بیان می­کند.

**روایت اول:[[1]](#footnote-1)** علی بن مهزیار به امام جواد علیه السلام نوشت روایتی از پدران شما در باب اتمام و قصر نماز در حرمین شریفین به صورت های مختلف به ما رسیده است . به این صورت که برخی فقها امر به اتمام( چه قصد ۱۰ روز بکند یا نکند) و برخی امر به قسر کرده اند ما دامی که قصد اقامه نکرده است.

 ما نیز اتمام می­خواندیم تا حجّ امسال که دیدیم فقهای ما حکم به قسر می­کنند **فإنَّ فقهاءُ اصحابنا اشاروا**....

نظر شما چیست ؟

امام فرمود وقتی داخل حرمین شدی قسر نخوان بلکه بسیار نماز بخوان **فأنا اُحبُ لک اذا دخلتَهما أن لا** **تُقصِّر و تَکثِرَ فیها من الصَّلاه...**

بار دیگر نزد امام رفتم و پرسیدم مراد شما از حرمین مسجد النبی و مسجد الحرام است ؟ فرمود مراد مکه و مدینه است .

**تقریب استدلال:** فقها اصحاب جمع است و فقیه را معیَّن نکرد لذا معلوم می­شود تعیین فقیه لازم نیست

**حدیث دوم:**[[2]](#footnote-2) علی بن مَزیَد مولای سابری می­گوید مردی به من وصیت کرد که از ترکه اش برایش حج بگزارم نگاه کردم و دیدم ترکه آن قدر کم است که هزینه حج را کفاف نمی­کند از ابا حنیفه و فقهای اهل کوفه پرسیدم گفتند از جانب آن موصی صدقه بده تا اینکه امام صادق را در حجر ملاقات کردم امام فرمود صدقه بده گفتم ضامن هستم ؟امام فرمود اگر از مکه برایش می­توانی حج کنی و نکردی ضامن هستی ولکن از مکه نمی­شود حج کرد ضامن نیستی.

**تقریب استدلال:** این است که کلمه فقها اهل کوفه جمع است و تعیین در این جا نیست و اسم کسی را نبرد لذا عمل به فتوای مراجع تعیین نمی­خواهد.

**حدیث سوم:**[[3]](#footnote-3) زنی از امام صادق پرسید مدت نفاس من ۲۰ روز بوده **حتی افتونی بثمانیه عشر یوما** تا فقها به من گفتند ۱۸ روز باشد امام فرمود و لم افتوک بثمانیه عشر یوما ؟ مردی گفت به دلیل حدیث رسول اکرم (ص) در تولد محمد بن ابی بکر که به مادرش فرمود تو ۱۸ روز نفاس بگیر...

**تقریب استدلال:** کلمه افتوک جمع است و مرجع را معیَّن نکرد .

**نظر استاد.**

به نظر ما این روایات عدم تعیین را در صورت اتفاق می­رسانند نه اختلاف یعنی اگر مراجع اتفاق دارند نیازی به تعیین نیست با وجود تساوی در فضل و الا در صورت اختلاف فتاوا لسانی ندارد.

**ادلّه قول اول:**

صاحب عُروه فرمود مکلّف باید مجتهد را معیَّن کند . ایشان برای ادعای خود دو دلیل بیان می­کند.

**دلیل اول:**

**اولاً** تقلید التزام به قول غیر است

**ثانیاً** التزام اختیار است.( ایشان التزام را به معنی اختیار رأی غیر گرفته است)

**ثالثاً** اختیار مقدمه عمل است.

**نتیجه** باید از باب مقدمه مرجع را معیَّن شود.

**جواب:** وجوب مقدمی همان وجوب تهیأی است مثلاً علم به احکام قبل خواندن نماز واجب تعی است قبل حج علم به احکام آن تهیي است ( خودش را اماده کند برای حج) در حالی که در تقلید وجوب تهیی نیست چرا که مقارن با عمل می­توان عمل خود را با یکی از این فتواها مطابقت دهد در نتیجه وجوب مقدِمی بودن تقلید بدونه دلیل است . مقلِّد در همان هنگام عمل می­تواند تقلید کند .

**دلیل دوم:** تعیین مرجع تقلید واجب است چرا که احدها وجود خارجی ندارد یعنی اگر بگوییم به یکی از این مراجع ملتزم هستم . یکی از مرجع ها وجود خارجی ندارد چون احدها مفهوم است و در ذهن است و از آنجا که عدم تعیین لازمه اش ملتزم شدن به قول احدهما است که وجود خارجی ندارد لذا تعیین لازم است.

**جواب:** احدها به معنی تردید است . اما مراد از عدم تعیین تردید نیست . شما فکر کرده اید مراد ترید است در حالی که این نیست بلکه فرد خاص خارجی است و لذا لازم نیست در تقلید فرد خاص خارجی را اراده کرد.

 اما به معنی تردید نیست چون صرف الوجود فتوا هم بر قلیل هم کثیر صادق است و عمل به صرف الوجود فتوا لازم است مانند اینکه می­گوید **اکرم انساناً** که مراد اکرام صرف الوجود انسان است و صرف الوجود انسان حقیقتی است که بر افراد کم و زیاد صادق است و لذا به قائل این کلام گفته نمی­شود تو مخاطب خود را مردد کردی . یا مثلا **اکرم العلماء** به معنی تردید نیست و کسی هم مردد نشده است.

در ما نحن فیه هم می­گوییم **فللعوام ان یُقلِّدُهُ** که کسی مردد نشده است لذا احدها تردید است و عدم تعیین هم تردید نیست و صرف الوجود است که یک حقیقت مشخص است .

1. ۳۰- وسائل جلد ۵ باب ۲۵ از ابواب صلاه مسافر حدیث چهارم:

و عن علی بن مهزیار قال: کتبت الی أبی جعفر الثانی علیه السلام أنَّ الروایه قد اختلفت عن آبائک فی الاتمام و التقصیر للصلاه فی الحرمین. فمنهما أن یأمُرَ بتتمیم الصلاه و لو صلاهً واحدهً ، و منهما أن یأمُرَ بقصرِ الصلاه ِ ما لم یَنوِ مُقامَ عشرهِ ایام ، و لم أزل علی الإتمام فیهما إلی أن صدرنا من حجِّنا فی عامنا هذا ، **فإنَّ فقهاءَ أصحابنا** أشاروا علیَّ باتقصیر إذا کنتُ لا أنوی مُقامَ عشرهٍ . و قد ضقتُ بذالک حتَّی أعرفَ رأیک.

فکتبَ بخطهِ علیه السلام قد علِمتَ یرحمُک الله فضلَ الصلاه ِ فی الحرمین علی غیرهما فأنا اُحِبُ لک إذا دخلتَهما إن لا تُقَصِّرَ و تُکثِرَ فیهما من الصلاه .

فقلتُ لهُ: بعدَ ذلک بسنتین مُشافههً إنی کتبتُ إلیک بِکذا فأجبتَ بکذا ، فقال نعم . فقُلتُ أیُّ شیءٍ تَعنی بالحرمین ؟ فقال مکهَ و المدینه ... الحدیث [↑](#footnote-ref-1)
2. ۳۱- وسائل جلد ۱۳ صفحه ۲۴۸ باب ۸۷ از ابواب کتاب وصیت.

محمدُبن الحسن بإستنادهِ عن علی بن الحسن بن فضَّال عن معاویه بن حُکَیم و یعقوبَ الکاتب عن ابن أبی عُمیر عن زید النَّرسی عن علی بن مَزیَد صاحب السابری قال: أوصی إلیَّ رجلٌ بترکتِهِ و أمرنی أن أحُجَّ بها عنهُ فنظرتُ فی ذلک فإذا هو شیءٌ یسیرٌ لا یکونُ للحجِّ ... إلی أن قال فسألتُ أبا عبد الله علیه السلام ... فقال ما صنعتَ بها ؟ قلتُ تصدَّقتُ بها ... قال ضمنتَ أَوَلا یکونُ یبلُغُ أن یُحجَّ بهِ من مکهَ فإن کان لا یبلغُ أن یُحجَّ به من مکهَ فلیس علیک ضمان . و إن کان یبلغُ أن تحُجَّ به من مکهَ فأنت ضامن. [↑](#footnote-ref-2)
3. ۳۲- وسائل جلد ۲ صفحه ۳۹۰ باب نفاس حدیث ۷

و عنهُ عن أبیه رعفعهُ قال: سألتِ امرأهٌ أبا عبد الله علیه السلام فقالت: إنی کُنتُ أقعدُ فی نفاسی عِشرین یوماً حتَّی أفتُونی بثمانیهَ عشرَ یوماً . فقال أبو عبدِ الله علیه السلام: م لِمَ أفتَوکِ بثمانیهَ عشرَ یوماً ؟

فقال رجلٌ: لِلحدیثِ اللذی رُویَ عن رسول الله (ص) أنَّهُ قال لِأسماء بنتِ عُمیس حیثُ نَفِسَت بِمحمد بن أبی بکر .

فقال أبو عبدِ الله علیه السلام: إنَّ أَسماءَ سألت رسولَ الله (ص) و قد أتی بها ثمانیهَ عشرَ یوماً، و لو سألَتهُ قبل ذلک لَأمرهها أن تغتسلَ و تفعل ما تفعلُ المستحاضهُ. [↑](#footnote-ref-3)